

پیش بینی های هانتینگتون

ساموئل هانتینگتون پس از نخستین کتاب خود، جنگ تمدن‌ها، کتاب دیگری را در پیش بینی جنگ تمدن‌ها با عنوان "ما کیستیم" نوشته است. توزیع این کتاب به زودی در اروپا و آمریکا آغاز می‌شود. ساموئل هانتینگتون، نظریه‌پرداز مشهور امریکایی در تایید کتاب قبلی خود، جنگ تمدن‌ها، کتاب جدیدی با نام «ما کیستیم» نوشته که قرار است در ماه می ۲۰۰۶ توزیع شود. به گزارش سایت محیط، او در این کتاب از غرب و ایالات متحده خواسته که از نشر دموکراسی و لیبرالیستی در جهان در چارچوب جهانی‌شدن خودداری کنند. او در کتاب خود همچنین یادآور شده که جنگ تمدن‌ها آغاز شده و در آن به جای جنگ تمدن‌ها از لحاظ علمی و فکری، کشورها بر سر نژاد و ملیت خود جنگ خواهند کرد. هانتینگتون آغاز تمامی نبردها را تفکر دینی و مذهبی دانسته و معتقد است که اعراب، مسلمانان و چینی‌ها در آینده بر سر اعتقادات مذهبی شان به نبرد خواهند پرداخت. او درباره جنگ عراق و آمریکا نیز آورده که این جنگ دو مرحله را در بر می‌گیرد، مرحله اول نبرد بر سر حذف صدام حسین و سقوط نظام دیکتاتوری او بود که این مرحله مدتی است به پایان رسیده و مرحله دوم، دوره ای خواهد بود که دامنگیر آمریکا است. این مرحله درگیری ایالات متحده با آمریکا بر سر مذهب و تمدن است که از هم‌اکنون نبرد آن در فلوچه و از ناحیه سنی‌ها آغاز شده است. به اعتقاد هانتینگتون نتیجه این نبرد این است که آمریکا مجبور می‌شود در آینده‌ای نه چندان دور با تمام مردم عراق و گرایش‌های دینی و قومی موجود در آن مبارزه کند. او سپس در کتاب خود دنیای غرب را به دو گروه تقسیم کرده است. یک گروه که شامل ایالات متحده و مردم معتقد آن است که نسبت به اعتقادات دینیشان بسیار پایبندند و دیگری اروپا که در همه جا به سکولاریست و لائیسیته مشهورند. هانتینگتون در آخر نتیجه می‌گیرد در صورتی که دنیا بخواهد به یک آرامش نسبی برسد، ناچار است که یک نظام واحد، آزاد و بزرگ را در خاورمیانه پیاده کند که ترکیه می‌تواند تا حدودی الگوی ایده‌آل آن باشد. ساموئل هانتینگتون در ۱۸ آوریل ۱۹۲۸ به دنیا آمد. او استاد علوم سیاسی از دانشگاه هاروارد است و تخصص او بیشتر بر روی حکومت ملی و رابطه آن با نیروی نظامی متمرکز است. در دوره چهار ساله ریاست جمهوری جیمی کارتر از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ مشاور سیاسی او بود. از او تاکنون نظریه‌های مختلف بسیاری در زمینه علوم سیاسی عرضه شده که جنگ تمدن‌ها، نقش کلیدی تمدن‌ها به جای ابرقدرت‌ها در جهان قرن بیست و یکم و نقش اقتصاد و اجتماع در ایجاد انقلاب‌ها و استقلال و خودمختاری کشورها از بارزترین آن‌ها است.

او همیشه این نظریه را مطرح می‌کند که غرب اگر در جهان پیروز شد به خاطر برتری فکری یا اعتقادی نبوده بلکه در حقیقت قدرت هدایت منظم شورش‌ها از جانب او است که آن را در جهان ابرقدرت کرده است. این موضوع را غربی‌ها همیشه فراموش می‌کنند در حالی که غیرغربی‌ها کاملاً به آن آگاهند.

تئوری هایی در مورد نیروی محرکه ی UFO ها

بارها و بارها در مشاهده ی " UFO " ها دیده شده است که این اشیای ناشناخته ی پرنده ناگهان در یک چشم بر هم زدن ناپدید شده اند. امروزه دانشمندان معتقد هستند که حرکت با سرعتی بیش از سرعت نور طبق قوانین فیزیک غیر ممکن میباشد. البته این قوانین خود بر پایه ی وقایعی که در محیط زمین اتفاق می افتند نهاده شده اند پس قوانین فیزیکی ما وابسته به شرایط زمین هستند. حالا حرکت با سرعتی بیشتر از سرعت نور به کنار، چون احتمالاً " فرم دیگری از تکنولوژی توسط این اشیا مورد استفاده قرار میگیرد. این فن آوری می تواند درست همانند " متور " که در فن آوری زمینی استفاده میشود باشد و گمان میرود که یک منبع انرژی تجدید پذیر در آنها بکار رفته که به هیچ عنوان تمام نمیشود و انرژی زیادی برای مسافرت هایی با فواصل طولانی را برای آنها فراهم میکند. فرض کنیم که این نظریه درست است، حال باز هم مدت زمان زیادی طول خواهد کشید که موجودی از کیهکشان دیگر بتواند به سیاره ی ما برسد. به همین دلیل نظریه ی دیگری بیان میشود و آن هم نظریه ی استفاده از نوعی پرواز به وسیله ی خنثی کردن جاذبه است " Gravity Drive " (توضیحات پایین صفحه). از تحقیقات ما بر روی زمین و در آزمایشگاهها این نتیجه بدست آمد که، انرژی جاذبه زمین در نوع خود میتواند معکوس شده و به عنوان یک منبع انرژی به کار گرفته شود. جنبه ی دیگر این قضیه اینکه جاذبه و ابعاد (بعدها) مختلف، پایدار نیستند، بلکه مانند منابع انرژی احتمالاً " شارش میکنند. از طریق این فرضیه ی غیر استاندارد (بر خلاف قوانین فیزیکی)، میتوان ابعاد مختلف و جاذبه را دلیل بر قادر بودن بیگانگان به مسافرت هایی با سرعت بالا دانست. گاهی سیاه چاله ها به کرم چاله ها تبدیل میشوند در این صورت اگر کسی وارد این ساچه چاله شود احتمالاً " از نقطه ی دیگری در فضا سر در می آورد. آنها فضا و زمان را برش میدهند و به قول معروف در زمان و فضا سفر میکنند. پس اگر " UFO " هایی که تا به حال دیده شده اند بتوانند " Gravity Drive " داشته باشند و بتوانند برای مدتی میدانی را به دور صفینه ی خود ایجاد کنند و در میان فضا و زمان حرکت کنند پس می توانند از بعد ما خارج شده و مسافت های بسیار زیاد را در مدت زمان بسیار کمی طی کنند. همه ی این تئوری ها بر پایه ی آزمایشات و بحث های ما در آزمایشگاه های خودمان است. دستگاه ضد جاذبه نیز به دست آمده است و درست همانند اسمش عمل میکند یعنی جاذبه را خنثی میکند.

وقی " UFO " ای دیده میشود که به مانور های شگفت انگیزی دست میزند و یا با سرعت غیر عادی حرکت میکند این به آن معناست که در ابعاد دیگری حرکت میکند که قوانین جاذبه، سکون " Inertia " و غیره در آن دخالتی ندارند. اگر این فرضیه درست باشد پس آنها میتوانند در یک آن از بعد ما خارج شده و در نتیجه ناپدید شوند. این تکنولوژی دیده شده و نمیتوان آن را نادیده گرفت.

توضیحات متن بالا : Gravity drive به نوعی پرواز یا حرکت میگن که در یه جایی مثل خلا یا بی جاذبه انجام میشه من خودم تا حالا با این کلمه روبه رو نشده بودم ولی کم و بیش معنیش همینه. حتما قبلا هم خونده بودین که با یونیزه کردن بدنه ی هواپیما ها میتونیم سرعت اونها چند برابر افزایش بدیم؟ این هم مثل اونه با این تفاوت که در این قضیه جاذبه هم حذف میشه و بنابر این سرعت سرسام آوری رو به ما میده!

مطالب جدید درباره اهرام ثلاثه

در زیر اهرام مصر در جیزه (واقع در جنوب غربی قاهره) مقبره های عجیبی کشف شد که تا زمان اکتشاف کسی از وجود آنها خبر نداشت. در یکی از این مقبره ها , که سرداب مانند است , استخوانهایی متعلق به انسان نیز به دست آمده است. حدود ۱۲ میلیون تن سنگ برای ساختن بنای اهرام فراعنه مصر به روی هم قرار گرفته تا عظیمترین کار دستی بشر در روی زمین خلق شود. برای یافتن مقبره های احتمالی دیگر در اهرام ابتدا از طریق دوربینهای اتوماتیک مخصوصی , پرتوها و امواجی مشابه امواج رادار به نقاط مختلف هرم ارسال شد اما هیچ گونه موفقیتی به دست نیامد. سپس از طریق بررسی جسد های مومیایی شده درون اهرام , سرنخهایی پیدا شد که در نهایت به کشف عجیبترین مقبره های خدایان مصر باستان انجامید. این کشف غیرمنتظره باعث حیرت تمامی کاوشگران شد. در کنار یک قطعه سنگ عظیم کریستالی, راهرویی وجود داشت که دهانه آن بسته بود. این راهرو به ۳۰ متری عمق زمین میرسید. دربروردی این راهرو درست در کنار یکی از کانالهایی قرار داشت که سالها قبل کشف شده بود. این کانال راهی بود که به سر مجسمه ۱۴۳/۵ متری "کافرن" پسر فرمانروای بزرگ مصر منتهی میشد. یک گروه کاوشگر و باستانشناس از حدود یک سال قبل, عملیات کاوشگری و پژوهشی گستردهای را درون این کانال آغاز کردند. آنها ابتدا, با یک نردبان به عمق ۱۲ متری این کانال رفتند. در انتهای این کانال به مقبره های رسیدند که در آن ۶ دخمه دیگر که در برابر یکدیگر حفر شده است, قرار داشت. این ۶ دخمه نیز مقبره بودند و در دوتای از آنها تابوتهای سنگی شگفتانگیزی قرار داشت. اغلب تابوتها بدون تزئین بودند و کتیبه های آنها از بین رفته است. "راینه اشتادل من" باستانشناس ساکن در قاهره, پس از بررسیهای مختلف گفت این تابوتها متعلق به ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است و احتمالاً متعلق به ثرتمندانی بوده که اجازه داشتند تابوت بستگانشان را در زیر هرم مقدس قرار بدهند. البته این محوطه وسیع است و در آن, کانالی نیز برای رفتن به نقاط عمیقتر این مقبره ها وجود دارد. حفارها در هفتمین مقبره موجود در این اتاق به سوراخ مربع شکلی در کف آن برخورد کردند که صدای شرشر آب از آن به گوش میرسید. تمام کانال کشف شده پر از آب جاری گل آلودی بود. هفته های متوالی به کمک پمپهای قوی و لوله های پلاستیکی, آبهای موجود در این کانال تخلیه شد. "حواس"- یکی از باستانشناسان- از سرو صدای پمپ و گرد و غبار موجود در این فضا که تقریباً باعث شده بود کر و کور شود به ستوه آمده بود, اما

سرانجام تمام آب کانال تخلیه شد و کاوشگران به دلیل آنکه دیوارهای کانال خیس و لیز بود بهوسیله طناب به پایین رفتند. آنها حدود ۲۹ متر پایینتر از سطح زمین به سردابه بزرگ دیگری رسیدند که آن هم مقبره بود، اما این فضا به گونهای طراحی شده که آبهای زیرزمینی، یک استخر در آن بهوجود آوردهاند. در وسط این استخر، تخته سنگی قرارداد داشت که به روی آن یک تابوت که اطراف آن را چهار ستون احاطه کرده بود، دیده میشد. پوشش روی این تابوت از بین رفته بود اما گلدانهای شکسته و استخوانها دارای قدمتی بودند که به حدود ۱۵۵۰ سال قبل از میلاد مسیح میرسد. چه کسی میتوانست در این مقبره دفن شده باشد؟ "حواس" اعتقاد داشت که این سمبلی از مقبره "اورسیس" (خدای رود نیل) است که طبق افسانههای مصر باستان به دستور "میتوس" (خدای ابرها و آسمانها) توسط برادرش کشته شد و جسدش را به ۱۴ قطعه تقسیم کردند. طبق همین افسانه ها، "ایزیس" همسر "اورسیس" موفق شد قطعات بدن همسرش را به یکدیگر وصل کند و به او حیاتی دوباره ببخشد. البته فرضیات "حواس" با واقعیت تطبیق نداشت. در کنار تابوت فرضی "اورسیس" استخوانهای اجساد دیگری نیز به چشم میخورد. مجله تخصصی آمریکایی "آرکئولوژی" (باستان شناسی) در آخرین شماره خود نوشت: این مکان، مقبرهای سمبلیک نیست، بلکه محل واقعی دفن مردگان بود. در هر صورت، کاوشگران و باستانشناسان از این کشف بسیار هیجانزده شدند، زیرا در تمامی نوشته های هرودت تاریخ نویس یونانی (۴۹۰ تا ۴۲۵ قبل از میلاد مسیح) به این مقبره‌های باستانی اشاره شده است. بر همین اساس، این اعتقاد وجود دارد که به دستور "چپس" (فرمانروای مصر) در زیر اهرام، جزیرهای مصنوعی که اطراف آن را دریا احاطه میکرد، ساخته شده است. بنابراین آیا در این تابوت سنگی، اسراری از فرمانروای مصر وجود دارد، اغلب باستانشناسان بر این عقیده هستند که "چپس" در سال ۲۵۲۸ قبل از میلاد مسیح مرده است ولی در مورد همین عقیده هم هنوز با معماهای بسیاری روبرو هستند. تاکنون "حواس" کشفیات خود را به صورت علمی و مستند منتشر نکرده است. بیشتر تحقیقات به روی سفالهای بهدست آمده انجام شده و هنوز در مورد اشیای دیگر و سنگهای مقبره، تحقیقات وسیعی صورت نگرفته است. همچنین در مورد کانال کوچکی که در قسمت غربی مقبره قرار گرفته، معماهایی وجود دارد. این تونل بسیار باریک است و به صورت افقی در امتداد صخره ها قرار دارد. بعضی از باستانشناسان این احتمال را میدهند که این یک راه زیر زمینی برای رفتن به داخل اهرام است. تحقیقات اولیه در مورد این تونل کوچک با شکست مواجه شد. به جهت فقدان ابزارآلات مناسب "حواس" از پسر بچه کوچکی برای داخل شدن به این کانال استفاده کرد. این پسر بچه فقط توانست ۶ متر داخل تونل بشود چون راه عبور بسته بود!